

بازشناسی حقوق حیوانات در فقه امامیه، با تأکید بر حق نفقه^۱

حسن علی‌دادی سلیمانی *

سید مصطفی طباطبایی **

چکیده

مسئله حقوق حیوانات در قرن اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است. فعالان و جنبش‌های حمایت از حقوق حیوانات بر این عقیده‌اند که عموم ادیان نسبت به مسئله حقوق حیوانات کوتاهی و کم توجهی داشته‌اند و اعتراض‌های فراوانی به ادیان وارد می‌کنند. هدف از این پژوهش بازشناسی دیدگاه اسلام نسبت به این مسئله است. این هدف با بررسی روایات اهل بیت علیهم السلام و کلام فقهاء گرانقدر شیعه انجام شده و در طی آن حقوق حیوانات از منظر فقه امامیه با تکیه بر حق نفقه مورد بررسی قرار گرفته است و تصویر کامل و جامعی از عنایت ویژه اسلام نسبت به آن ارائه شده است. بر اساس این پژوهش اولاً دین اسلام برای تمام موجودات عالم - به حسب جایگاهشان در دستگاه خلقت - در راستای رسیدن به کمال خود، حقوقی را قائل است و بر خلاف عقیده مدافعان حقوق حیوانات، آموزه‌ها و تعالیم زیادی در ارتباط با حقوق حیوانات دارد، خصوصاً اینکه در مقایسه با دیگر ادیان، بسیاری از آن حقوق را نه تنها در قالب توصیه اخلاقی بلکه فراتر از آن و به صورت حکم شرعی و قوانین فقهی بیان نموده است که حاکی از اهمیت آنها و تضمین اجرایشان است. ثانیاً فقهاء شیعه علاوه بر اینکه در ابواب مختلف فقهی بر لزوم رعایت حق حیات حیوانات به طرق مختلف اذعان نموده‌اند، همچنین با دقت نظر در مورد نفقه آنها، موارد آن، مسؤول آن و چگونگی تأمین و تهیه آن نیز با استفاده از تعالیم عالی اسلام به ایراد نظر و ابراز فتوا پرداخته‌اند.

کلید واژه‌ها: حقوق حیوانات، اسلام، شیعه، حق نفقه

۱- تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۰۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۲۲

* استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، پردیس بین الملل دانشگاه تهران، کیش، ایران (نویسنده مسئول) alidadisolimani@ut.ac.ir

** مدرس و دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم، قم، ایران

۱- مقدمه

فعالان مسأله حقوق حیوانات معتقدند، در جوامع و قوانین بشری -جز در موارد انگشت شمار- قوانینی پیرامون حمایت از حیوانات دیده نمی‌شود. جردن کورنات استاد دانشگاه سنت کلود گوید: «حقوق حیوانات در قوانین بشری از زمان بابلی‌ها تا دوران معاصر، شفاف است: حیوانات هیچ حقی ندارند! از منظر حقوق، حیوانات تنها مانند اشیاء و مملوکات انسان هستند و اگر می‌بینیم که گاهی قانون در حمایت از حیوانات بر می‌آید، تنها به این هدف و دلیل است که حیوانات به انسان سود می‌رسانند» (Curnutt, 2001, p. 29) بلکه حتی در برهه‌ای از زمان برخی از فیلسوفان مانند توماس آکویناس (۱۲۲۵-۱۲۷۴) منکر این شدند که حیوانات مستحق ملاحظه و حق و رعایت باشند. دکارت (۱۵۹۶-۱۶۵۰) نیز با آکویناس هم عقیده بوده و گوید حیوانات همانند ماشین‌هایی زنده هستند. (Franklin, 2005, 1; Yount, 2008, p. 4)

توجه به مسأله حقوق حیوانات از اواخر قرن ۱۸ میلادی و با تعدیل تفکرات فلسفی آغاز شده است. (5) (Mack, 2012, p. 34; Sherry, 2009, xxii; Yount, 2008, p. 5) جرمی بنتام (۱۷۴۸-۱۸۳۲) با نقد اندیشه‌های فلاسفه گذشته و بیان دیدگاه‌های جدید فلسفی خود، آغازگر راهی شد که نتیجه آن تشکیل انجمن‌های حمایت از حقوق حیوانات در سالیان اخیر است (Sherry, 2009, p. 11; Yount, 2008, p. 5). وی گوید: «سؤال این نیست که آیا حیوانات تعقل می‌کنند؟ یا اینکه سخن می‌گویند؟ بلکه سؤال این است که آیا حیوانات درد و رنج می‌برند؟» (Curnutt, 200, p. 435).

امروزه ۲ جریان مهم حمایت از حقوق حیوانات مطرح است که حاصل نظریات و تفکرات دو فیلسوف معاصر پیتر سینگر (۱۹۴۶-) و تام ریگان (۱۹۳۸-) است. که با تبیین دیدگاه‌های فلسفی بر پایه اصول اخلاقی و بدون نزاع‌های دینی باعث ایجاد جنبش عظیم دفاع از حیوانات شدند.

عوامل مؤثر بر جنبش‌های حمایت از حیوانات را می‌توان ۳ عامل فلسفی، دینی، قانونی دانست؛ همانگونه که از پیشینه بیان شده روشن است، مهمترین و تأثیرگذارترین عامل، عامل فلسفی است.

دیدگاه قانونی و حقوقی دارای تأثیر آنچنانی و نیز طرفدارای زیادی نیست، بلکه خود با ابهامات و سؤالات متعددی روبرو است؛ این دیدگاه گوید که قوانین بشری موجود نه تنها «انسان‌گرا» بلکه «انسان محور» است (Schaffner, 2011, p. 4) گری فرانسیونی که از پایه‌گذاران این نظریه و حرکت است گوید قوانین نباید تنها با دید و به هدف انتفاع انسان تدوین شوند، بلکه لازم است حیوانات و یا حداقل برخی از

آنان نیز، حقوقی کاملاً مساوی با انسان داشته باشند. وی تصریح می‌کند «با حیوانات باید انسان گونه رفتار شود» (Francione, 2007, p. 3).

ناقدان این نظریه معتقدند، یکسان سازی حقوق انسان و حیوان، رویکردی صحیح نیست، انسان‌ها دارای حقوق متعدد شهروندی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... هستند، یکسان‌سازی این حقوق نسبت به حیوانات امری بی‌معنی و موجب نقصان ارزش‌های انسانی و بشری است (Waldau, 2011, pp. 56-57). تحلیل استاد شهید مرتضی مطهری از مبنا و منشأ حق، پاسخ روشنی به این مبنا می‌باشد، ایشان گوید: «حقوق طبیعی و فطری از آنجا پیدا شده که دستگاه خلقت با روشن‌بینی و توجه به هدف، موجودات را به سوی کمالاتی که استعداد آنها را در وجود آنها نهفته است سوق می‌دهد. هر استعداد طبیعی مبنای یک «حق طبیعی» است و یک «سند طبیعی» برای آن به شمار می‌آید. مثلاً فرزند انسان حق درس خواندن و مدرسه رفتن دارد، اما بچه گوسفند چنین حقی ندارد، چرا؟ برای اینکه استعداد درس خواندن و دانا شدن در فرزند انسان هست، اما در گوسفند نیست. دستگاه خلقت این سند طلبکاری را در وجود انسان قرار داده و در وجود گوسفند قرار نداده است. همچنین حق فکر کردن و رأی‌دادن و اراده آزاد داشتن» (مطهری، ۱۳۶۹، ۱۸۰ و ۱۸۱).

اما در مورد عامل دیگر یعنی دین، فعالان حقوق حیوانات معتقدند دین تأثیر بسیار ناچیزی در این مسأله داشته است و در برخی از ادیان، ارزش حیوانات در حد مملوکات و وسائل زندگی انسان‌ها است. (Bekof & Goodall, 2010, p. 452; Franklin, 2005, p. 1; Sherry, 2009, p. 10)

در این پژوهش دیدگاه اسلام نسبت به حیوانات و حقوق آنها از منظر حق نفقه مورد بررسی و واکاوی دقیقتر قرار می‌گیرد و روشن می‌گردد که نظر محققان غربی اگر نسبت به دیگر ادیان صحیح باشد، اما نسبت به اسلام، ناشی از غفلت و عدم آگاهی و احاطه آنها می‌باشد، زیرا فارغ از اینکه دین اسلام در مقایسه با دیگر ادیان، حجم واقعاً وسیع‌تری از آموزه‌ها و تعالیم و توصیه‌ها نسبت به حیوانات و رفتار انسان‌ها با آنها دارد که حاکی از ارزش و احترام آنها می‌باشد؛ به خلاف دیگر ادیان بسیاری از حقوق حیوانات از حد آموزه‌های اخلاقی فراتر رفته و به عرصه فقه کشیده شده و مسأله شرعی و فقهی گشته‌اند، که بیانگر ارزش و اهمیت زیاد آن و ضامن اجرای آنها می‌باشد.

۲- مفهوم حق و حیوان

ماده «ح ق ق» دلالت بر استواری و پابرجایی چیزی و صحت و مطابقت آن با واقع می‌کند، کلمه «حق» مصدر و به معنای ضد باطل است. (ابن درید، بی‌تا، ۱، ۱۰۰؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ۲، ۱۵؛ صاحب، ۱۴۱۴، ۲، ۲۸۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۱، ۲۴۶؛ فراهیدی، ۱۴۱۰، ۳، ۶؛ مصطفوی، ۱۴۰۲، ۲، ۲۶۲) اما در اصطلاح فقه، چند تعریف بیان شده است، برخی آنرا «نوعی از سلطنت بر شیء که متعلق به عین یا عقد یا شخص باشد» (انصاری، ۱۴۱۵، ۳، ۹؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۲۱، ۱، ۵۵) و برخی دیگر «اعتبار خاص دارای آثار مخصوص» (خراسانی، ۱۴۰۶، ۴) تعریف نموده‌اند. تعریف اول در بحث ما صادق نیست، زیرا آنچه منظور ما می‌باشد سلطه نیست؛ بلکه امری است که در قبالش مسؤولیت و تکلیف است؛ به عبارت دیگر، حق و تکلیف دو روی یک سکه‌اند، هر جا حقی باشد تکلیفی همراه آن خواهد بود؛ بلکه حقوق، متبادل هستند و هر کس حقی دارد، تکلیفی نیز بر عهده خود هست (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ۳۵؛ مطهری، ۱۳۷۰، ۷۷؛ ۱۳۷۳، ۱۰۹) بنابراین تعریف دوم جامع و صادق بر موضوع بحث ما می‌باشد.

در علوم عقلی مانند منطق، حیوان را «جسم حساس متحرک بالارادة» تعریف می‌نمایند؛ بیشتر علماء لغت نیز، حیوان را هر دارای روحی دانسته‌اند (ازهری، بی‌تا، ۵، ۱۸۶؛ صاحب، ۱۴۱۴، ۳، ۲۳۸؛ فراهیدی، ۱۴۱۰، ۳، ۳۱۷)؛ که در نتیجه حیوان تنها بر انسان و چهارپایان و ... اطلاق می‌شود و بر گیاهان صدق نمی‌کند. اما برخی دیگر از لغویون، حیوان را هر دارای حیاتی دانسته‌اند (ابن سیده، بی‌تا، ۳، ۳۹۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۲۶۹). «حیات» نقیض «موت» و «حی» در مقابل «میت» است که در معانی و مراتب مختلف مانند نیروی رشد و نمو دهنده، نیروی حس‌کننده، قوه عاقله و ... استفاده شده است (ابن درید، بی‌تا، ۱، ۱۰۳؛ ابن سیده، بی‌تا، ۳، ۳۹۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ۲، ۱۲۲؛ ازدی، ۱۳۸۷، ۱، ۳۷۰؛ الجوهری، ۱۴۱۰، ۶، ۲۳۲۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۲۶۸ و ۲۶۹) بنابراین بر گیاهان نیز حیوان صدق می‌کند، زیرا نیروی رشد‌دهنده از مراتب حیات است.

باید توجه داشته که تعریف حقیقی حیات بسیار دشوار است و حقیقت آن هنوز هم برای بشر پوشیده مانده است و هر گروهی با توجه به برخی از خصوصیات و عوارض آن، به تعریف حیات پرداخته‌اند. بخشی از ریشه این اختلاف به نحوه دید اندیشمندان به حیات بر می‌گردد. گروهی حیات را تنها در جنبه مادی آن می‌بینند، در حالی که گروه دیگر به جنبه فرامادی آن هم توجه می‌نمایند؛ برخی مانند زیست‌شناسان فقط به لازمه‌های مادی حیات - مانند تولیدمثل، رشد و نمو، تغذیه - پرداخته‌اند و برخی دیگر از لازمه‌های متناسب

با جنبه فرامادی حیات نیز سخن به میان آورده‌اند. علامه طباطبایی می‌فرماید، در نظر سطحی حیات نحوه‌ای از وجود است که علم و قدرت از آن نشأت می‌گیرد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲، ۳۲۸ و ۳۲۹). این تعریف شامل گیاهان و حتی به دقت نظر شامل غیر انسان نیز نمی‌شود؛ اما ایشان در جای دیگر تحلیل علمی نموده و می‌فرمایند که ملاک حیات، صدور اعمال مختلف از موجود دارای نفس و جان است و البته این اعمال صادره با هم تفاوت دارند، در برخی به نحو حرکت است و در برخی به نحو سکون؛ و این ملاک در گیاهان نیز وجود دارد و چنین نتیجه می‌گیرند: «پس گیاهان نیز مانند حیوانات دارای حیانتند و باید گفت که نظر علمی بر خلاف نظر سطحی، ما را به سوی حیات عمومی هدایت می‌کند، حیاتی که هم در حیوانات است و هم در گیاهان» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۰، ۵۱).

بنابراین حیات نحوه‌ای از وجود است که باعث صدور اعمال مختلف از موجود می‌گردد و بر انسان و چهارپایان و گیاهان صدق می‌کند.

حیوان در علم فقه اصطلاح مجزایی ندارد، گرچه در ابواب مختلف فقه مانند تذکیه حیوان، خیار حیوان، تصویر حیوان و ... مراد از آن مختلف است، گاهی مطلقاً و گاهی تنها حیوانات حلال گوشت و گاهی تنها حیوانات دارای روح و ... مراد است؛ اما در نظر حرکت‌های دفاع از حقوق حیوانات انسان‌ها و گیاهان نیستند، بلکه دیگر موجودات زنده و خصوصاً آنها که مورد استفاده انسان‌ها قرار می‌گیرند می‌باشند. (Waldau, 2011, p. 1).

۳- اهمیت حیات حیوان

حیات را می‌توان پایه و اساس مساله حقوق حیوانات دانست، زیرا اساساً تمام حقوق مطرح شده در مورد حیوانات و به طور کلی هر موجودی، در گرو حیات وی است؛ اگر موجودی زنده نباشد و حیات نداشته باشد، بحث و بررسی حقوق وی، بی‌معنا و نامفهوم است.

قطعاً می‌توان گفت تصویر کلی‌ای که اسلام از ارزش حیات حیوان ترسیم می‌نماید، کمتر از حیات انسان‌ها نیست و بازتاب این امر در آموزه‌های دینی و نیز ابواب مختلف فقهی پدیدار است.

روایت است که افرادی مشغول اذیت و آزار حیوانی بودند (ظاهراً به عنوان تفریح و سرگرمی)، پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله آنها را لعن نمودند. محمد بن محمد بن اشعث در کتاب خود به نام جعفریات (اشعثیات) به اسناد خود از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت نموده است که: «أن رسول الله

صلی الله علیه و آله و سلم مر علی قوم قد نصبوا دجاجة حیة و هم یرمونها (بالنبیل) فقال: من هؤلاء لعنهم الله» (ابن اشعث، بی‌تا، ۸۴) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر گروهی گذشتند که مرغ زنده‌ای را قرار داده و به آن (تیر) پرتاب می‌کردند، پس فرمودند: این‌ها کیانند؟ خدا لعنتشان کند. این روایت را راوندی نیز در نوادر خود با اسنادش از ابن اشعث نقل نموده است (راوندی، بی‌تا، ۳۳).

کتاب جعفریات که حاوی بیش از هزار روایت است، ظاهراً در نزد قدماء موجود بوده است اما در برهه از تاریخ مفقود گشته است. مرحوم حاجی نوری ادعا می‌کند که افرادی آن کتاب را برای وی از هند آورده‌اند، ایشان عنایت خاصی به این کتاب داشته‌اند و اولین کتابی است که در خاتمه مستدرک بررسی نموده‌اند. صاحب جواهر و برخی محققان معاصر در مسائلی چون انتساب اصل کتاب به ابن اشعث؛ صحت و اعتبار نسخه موجود آن و روات واسطه بین ابن اشعث تا معصومین ایراداتی دارند (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۱، ۳۹۸) و پاسخ‌هایی هم داده شده است (نوری، ۱۴۰۸، ۱، ۱۵) که در نوشتار حاضر مجال بیان آن نیست، خصوصاً اینکه مفاد روایت بیشتر اخلاقی است تا فقهی و لذا با نداشتن معارض عقلی و نقلی، تلقی به قبول می‌گردد.

نسبت به کشتن حیوانات در روایات آمده است که اگر کسی جان و حیات حیوانی را بدون دلیل بگیرد و او را بکشد، در روز واپسین مورد بازخواست قرار خواهد گرفت. نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «من قتل عصفورا عبثاً جاء یوم القیامه یعج الی الله یقول یا رب این هذا قتلنی عبثاً لم ینتفع بی و لم یدعنی فأکل من خشاش الأرض» (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۱۲، ۵۲۵) «هر کس، گنجشکی را بدون دلیل بکشد، [گنجشک] در روز قیامت با ناله و داد و افغان به خدا عرض می‌کند: ای خدا، این فرد مرا بدون دلیل کشت و از من استفاده‌ای نمود و مرا رها نمود که از حیوانات کوچک تغذیه کنم» البته روایت مرسل است و حاجی نوری در مستدرک نیز آن را نقل نموده است (نوری، ۱۴۰۸، ۸، ۳۰۴) و شبیه به این مضمون از امام باقر علیه السلام نیز در کتاب دعائم الاسلام روایت شده است که البته از لحاظ سندی مرسل است (ابن حیون مغربی، ۱۳۸۵، ۲، ۱۷۵، ۶۲۹).

مرحوم طبرسی به نقل از کتاب محاسن (مجالس) از امام صادق علیه السلام به صورت مرسل روایت نموده است که ایشان کشتن حیوانات را از پلیدترین گناهان برشمرده و چنین فرموده‌اند: «أقذر الذنوب ثلاثه قتل البهیمه و حبس مهر المرأه و منع الأجر أجره» (طبرسی، ۱۴۱۲، ۲۳۷) پلیدترین گناهان ۳ تا هستند: کشتن حیوانات، حبس نمودن مهر زن و نپرداختن دستمزد اجیر.

همانطور که در این روایات به طور عیان مشاهده می‌گردد، کشتن حیوانات بدون دلیل و گرفتن حق حیات از آنها و انجام دادن کارهایی که جان آنها را در خطر بیندازد از روس هوس‌رانی یا سهل‌انگاری، مورد مذمت شدید قرار گرفته است.

در فقه شیعه نیز موارد و مسائل متعددی وجود دارد که فقهاء بزرگوار حکم به حرمت کشتن حیوانات نموده‌اند.

علامه حلی در باب نماز مسافر تصریح دارند: کشتن حیوانات از روی تفریح و بدون دلیل حرام است، و اگر کسی برای چنین شکاری به سفر برود، سفر او سفر معصیت است و نمازش تمام می‌باشد: «کسی که برای شکار سرگرمی به سفر برود، نمازش شکسته نمی‌شود» (حلی، ۱۴۱۳، ۱، ۳۲۶).

از دیگر شواهد فقهی حرمت کشتن حیوانات، حرمت به آب‌انداختن حیوانات زنده به منظور سبک شدن کشتی و حفظ آن از غرق شدن است. شهید ثانی می‌فرماید: «در هنگام ترس از غرق شدن کشتی، که لازم است وسائلی را به دریا بیندازند تا کشتی سبک شود، اگر این هدف با به آب انداختن غیر حیوانات تأمین می‌شود، حرام است حیوانات به آب انداخته شوند» (عاملی، ۱۴۱۳، ۱۵، ۳۸۳).

همچنین فقهاء فرموده‌اند که حتی در جایی که حیوانی باعث تقویت دشمن جنگی شود، کشتن آن جایز نیست. این درحالی است که رسم در جنگ‌های قدیم این بوده است که در هنگام عقب نشینی از ترس اینکه حیواناتشان که نوعی جزو تجهیزات جنگی محسوب می‌شده‌اند، به دست دشمن افتاده و باعث تقویت آنها شود، حیوانات را پی نموده یا می‌کشته‌اند. شیخ طوسی می‌فرماید: «اگر مسلمانان، اسب و تجهیزات مشرکین را به غنیمت بگیرند، سپس مشرکین به تعقیب مسلمانان پرداخته و آنها را پیدا نمایند، پی کردن و کشتن حیوانات برای جلوگیری از اینکه به دست مشرکین بیافتند جایز نیست» (طوسی، ۱۴۰۷، ۵، ۵۱۸ و ۵۱۹).

حفظ حیات موجودات زنده آنقدر مهم است که در باب نماز که مهمترین واجب دینی و پایه و اساس اسلام محسوب می‌شود گفته شده است، اگر انسان مقدار کمی آب در اختیار داشته باشد و مصرف نمودن آب برای وضو باعث به خطر افتادن جان و حیات محترمی گردد، لازم است آب را برای حفظ جان نگه دارد و به جای وضو، تیمم نماید و فرقی ندارد که زندگی انسان یا حیوانی در خطر باشد، حتی اگر حیوان متعلق به فرد دیگری است. شهید ثانی تصریح دارد: «از موارد وجوب تیمم جایی است که ترس عطش برای نفس محترم ولو حیوان باشد» (عاملی، ۱۴۱۰، ۱، ۴۴۸).

و در جای دیگر نیز می‌فرماید، مراد از این عطش، عطش خود فرد یا دیگر نفوس محترمی است که اتلافشان جایز نمی‌باشد، انسان باشند یا حیوان، برای خودش باشد یا دیگری (عاملی، ۱۴۱۳، ۱، ۱۱۲) محقق حلی و علامه حلی اگرچه که نظرشان جواز تیمم در چنین موقعیتی است اما تقریبشان چنین است که حیوان مال است و با وجود ترس بر مال، تیمم جایز است (حلی، ۱۴۱۲، ۳، ۲۳ و ۲۲؛ حلی، ۱۴۰۷، ۱، ۳۶۸). برخی چون صاحب مدارک و صاحب حدائق اشکال نموده‌اند که صرف ترس بر مطلق اتلاف مال دلیل بر جواز تیمم نیست، کما اینکه در جای دیگر گفته شده است که اگر لازم باشد باید برای طهارت، آب خریداری شود، باید آب را بخرد و این یعنی اتلاف مال برای انجام طهارت؛ پس ممکن است در مسأله حفظ حیوان نیز بگوییم که تیمم جایز نیست و باید آب را برای وضو یا غسل استفاده نمود، مگر اینکه از بین رفتن حیوان، ضرر محسوب گردد (بحرانی، ۱۴۰۵، ۴، ۲۹۰؛ عاملی موسوی، ۱۴۱۱، ۲، ۱۹۵). صاحب جواهر نیز در پاسخ به اشکال مطرح شده، دو پاسخ می‌دهند که اولاً حفظ حیوان به خاطر ادله حفظ مال و اتلاف نکردن آن است که تفاوتی ندارد که این مال کم باشد یا زیاد و ثانیاً حیوان نیز دارای احترام است و تشنه می‌باشد و اذیت نمودن آن حرام می‌باشد؛ بلکه حیوان نیز واجب النفقہ انسان است و از جمله موارد نفقه، آب دادن به حیوان است (نجفی، ۱۴۰۴، ۵، ۱۱۵). البته اضراب پاسخ دوم ایشان اخص از مدعی بوده و تنها شامل حیوانات مملوک فرد می‌شود، نه حیوانات غیر مملوک و یا مملوک فرد دیگر.

۴- حق نفقه

هر موجود زنده‌ای برای ادامه حیات و زندگی خود نیازمند تأمین و وجود شرایط و امکانات مناسبی مانند تغذیه، پوشاک، سرپناه، درمان و ... فقهاء از این شرایط و امکانات «نفقه» تعبیر می‌نمایند. ماده «ن ق» به معنای قطع شدن و از دست رفتن چیزی است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۵، ۴۵۴) و «نفقه» در لغت آن چیزی است که از دست انسان برود و به اصطلاح مالی است که انسان خرج کند (ازهری، بی تا، ۹، ۱۵۶؛ صاحب، ۱۴۱۴، ۵، ۴۴۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۱، ۸۱۹؛ فراهیدی، ۱۴۱۰، ۵، ۱۷۷) در اصطلاح فقه مراد از «نفقه»، تأمین و تهیه لوازمی است که فرد به حسب طبیعت، جایگاه و عرف برای زندگی‌اش به آن وابسته و نیازمند است (مشکینی، ۱۳۷۷، ۵۴۴).

نفقه به ۳ سبب بر انسان واجب می‌شود، اول: زوجیت:: قرابت، سوم: ملکیت (حلی، ۱۴۱۸، ۱، ۱۹۵). از همین رو، حیوان نیز به عنوان یکی از مملوکات انسان، دارای حق نفقه خواهد بود.

۵- حکم تأمین نفقه

تأمین نفقه حیوان واجب است و بسیاری از فقهاء شیعه بر آن اذعان دارند. به عنوان مثال محقق حلی در شرائع می‌فرماید: نفقه مملوک انسان واجب است (حلی، محقق، ۱۴۰۸، ۲، ۲۹۸) و یا در مختصر النافع می‌فرماید: نفقه بهائم مملوک واجب است (حلی، محقق، ۱۴۱۸، ۱، ۱۹۶). بسیاری از دیگر فقهاء نیز به این امر اذعان دارند مانند ابن براج (ابن براج، ۱۴۰۶، ۲، ۳۵۴)، ابن حمزه (طوسی، ۱۴۰۸، ۲۸۷)، علامه حلی (حلی، علامه، ۱۴۱۳، ۳، ۱۱۸)، شهید ثانی (عاملی، ۱۴۱۰، ۵، ۴۸۵)، ... بلکه برخی چون صاحب مدارک، فاضل هندی و صاحب ریاض بر عدم اختلاف نظر فقهاء در این موضوع تصریح دارند (اصفهانی، ۱۴۱۶، ۷، ۶۱۱؛ حائری طباطبایی، ۱۴۱۸، ۱۲، ۱۹۳؛ عاملی موسوی، ۱۴۱۱، ۱، ۴۹۱).

۶- مسؤؤل تأمین نفقه

مسؤؤل تأمین نفقه حیوان در درجه اول مالک آن است و این تکلیف بر عهده او می‌باشد. اگر مالک حیوان یک نفر باشد، تأمین همه نفقه بر او واجب است و اگر چند نفر باشند، تأمین نفقه مطابق مقدار و حسب سهم ملکیتشان، بین آنها تقسیم می‌گردد. همچنین افرادی مانند مستأجر و مستودع حیوان که مالک حیوان محسوب نمی‌شوند اما فعلاً حیوان تحت سلطه آنها قرار دارد نیز در حکم مالک بوده و تأمین نفقه حیوان بر آنها واجب است، هرچند مالک گفته باشد که از حیوان وی محافظت صورت نگیرد (حلی، ۱۴۲۴، ۱، ۵۱۷؛ حلی، ۱۴۱۰، ۱، ۴۲۵ و ۴۳۷؛ حلی، ۱۴۰۸، ۲، ۱۲۹ و ۱۴۸؛ عاملی، ۱۴۱۰، ۴، ۲۴۶؛ ۱۴۱۳، ۵، ۸۷؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳، ۱۰، ۷۱ و ۲۸۲).

در صورتی که مالک حیوانی مشخص نباشد، مثلاً فردی حیوانی را پیدا نماید، باید این مطلب را به اطلاع حاکم برساند و بر حاکم جامعه است که نفقه حیوان از بیت‌المال پرداخت نماید و اگر حاکم وجود نداشت یا دسترسی به او مقدور نبود، بر خود یابنده حیوان واجب است که تا زمان پیدا شدن مالک حیوان نفقه حیوان را تأمین نماید و البته می‌تواند بعداً مبالغ صرف شده را از مالک درخواست نماید؛ اما به هر حال رها نمودن حیوان یا کوتاهی در تأمین نفقه وی جایز نمی‌باشد (طوسی، ۱۴۰۰، ۳۲۴؛ مفید، ۱۴۱۳، ۶۴۹).

نه تنها مالک و یابنده و حاکم مسؤؤل تأمین نفقه حیوان هستند و بر آنها لازم است، بلکه این مسأله بر همه مسلمین خصوصاً عدول آنها واجب کفایی است. شهید ثانی در مبحث ارث می‌فرماید که تأمین ما یحتاج اطفال و حیوانات بر همه مسلمانان خصوصاً عدول ایشان، واجب کفایی است «آنچه از مونه که

اطفال و حیوانات به آن نیازمند هستند استثناء است، زیرا چنین چیزهایی بر همه مسلمانان خصوصاً عدول ایشان واجب کفایی است» (عاملی، ۱۴۱۳، ۶، ۱۶۶).

مسئله تأمین نفقه حیوان آنقدر حائز اهمیت و مورد عنایت دین اسلام است که فقهاء فرموده‌اند اگر مالک در این کار سهل‌انگاری نماید و یا برایش مقدور نباشد و از تأمین آن بازماند، حاکم جامعه وی را مجبور می‌کند که یا نفقه حیوان را تأمین نماید یا حیوان را بفروشد و یا اینکه وی را ذبح نماید (در صورتی که حلال گوشت باشد)؛ و اگر باز هم آنرا انجام ندهد، خود حاکم بنا به مصلحت و مراتب نفع مالک، دست به فروش اموال مالک زده و نفقه حیوان را تأمین می‌نماید یا اینکه دستور به فروش حیوانات می‌دهد (حلی، ۱۴۱۸، ۱، ۱۹۶؛ طوسی، ۱۴۰۸، ۲۸۷؛ حلی، ۱۴۰۵، ۴۹۱؛ حلی، ۱۴۱۳، ۳، ۱۱۸؛ عاملی، ۱۴۱۰، ۵، ۴۸۵، فیض کاشانی، ۱۴۰۱، ۳، ۴۴) و البته در این مرحله، مصلحت مالک را در نظر می‌گیرد: «اگر اجبار مالک برای تأمین نفقه متعذر بود، حاکم طبق نظر خود و مقتضای حال اینکار را انجام می‌دهد، مثلاً ملکش را می‌فروشد، یا اگر ملکی نداشت و یا اینکه فروش حیوان بیشتر به نفع او بود، آنها را می‌فروشد، البته می‌تواند همه را یکجا بفروشد یا اینکه هر روز به مقدار مورد نیاز اینکار را انجام دهد، البته اگر اجازه‌دادن حیوانات برای تأمین نفقه کافی بود و این بیشتر به نفع مالک بود، آنها را اجازه دهد؛ خلاصه اینکه در هر تصمیم، باید مصلحت مالک را مراعات نماید» (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۱، ۳۹۵ و ۳۹۶).

ارجاع این مساله در فقه شیعه به حاکم شرع و بیان آن از وظایف حاکم، روشن‌گر اهمیت آن و در واقع ضمانت اجرایی آن است. در کدام حقوق و قوانین با این جدیت و حساسیت این امور با این دقت دنبال و بیان شده است؟

۷- شرایط وجوب نفقه

حکم وجوب تأمین نفقه حیوان مملوک مطلق است و مقید به شرایط و خصوصیتی در حیوان نشده است، بلکه تصریح شده است که نفقه حیوان مملوک واجب است چه آن حیوان حلال گوشت باشد و چه حرام گوشت، چه مالک از آن کار بکشد و چه نکشد، چه جوان باشد و چه پیر، چه صحیح و سالم باشد و چه معیوب و ... (حلی، ۱۴۰۸، ۲، ۲۹۸؛ طوسی، ۱۳۸۷، ۶، ۴۷؛ حائری طباطبایی، ۱۴۱۸، ۱۲، ۱۹۳) بلکه این مساله تا آخرین لحظات عمر حیوان نیز ادامه دارد: «تأمین نفقه حیوان واجب است ... حتی اگر از او کار نکشد یا اینکه نزدیک به تلف شدن باشد» (عاملی، ۱۴۱۰، ۵، ۴۸۱ و ۴۸۲).

۸- موارد نفقه

از مهمترین و شاخص‌ترین موارد نفقه؛ خوراک، پوشاک و سرپناه است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «للمملوک طعامه و کسوته بالمعروف» (پاینده، ۱۳۸۲، ۶۳۵، ۲۲۷۳) خوراک و پوشاک مناسب، حق مملوک است.

۸-۱- تغذیه

ابتدایی‌ترین لازمه حیات هر موجود زنده‌ای، تغذیه است. در روایتی از امام کاظم علیه السلام آمده است که «از مروت فرد این است که حیوانش فربه باشد» (کلینی، ۱۴۰۷، ۶، ۴۷۹)، و این میسر نیست مگر با رسیدگی و تغذیه مناسب حیوان. همچنین روایت شده است که ابوذر غفاری در روزه، روزی مشغول آب دادن به الاغ خود بود. فردی از او پرسید که ای ابوذر، آیا کسی (خادمی) نداری که الاغت را آب دهد؟ ابوذر در پاسخ گفت که من دوست دارم که این کار را خودم انجام دهم چرا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «ما من دابه إلا و هی تسأل کل صباح اللهم ارزقنی ملیکا صالحا یشبعنی من العلف و یروینی من الماء و لا یكلفنی فوق طاقتی» (برقی، ۱۳۷۱، ۲، ۶۲۶) «هیچ حیوانی نیست مگر اینکه هر روز صبح از خداوند متعال می‌خواهند خداوند صاحب صالحی به ما ارزانی دار که از علف سیر و از آب سیرابمان نماید و بیش از طاقتمان مکلف مان ننماید».

این روایت را احمد بن محمد بن خالد برقی در کتاب محاسن خود از حسن بن فضال از ابی المغراء از ابن مسکان از سلیمان بن خالد از امام صادق علیه السلام و همچنین مرحوم کلینی از طریق عده اصحاب خود از احمد بن محمد بن خالد به همان سند روایت نموده است (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۴۳۷، ۶، ۲). در سلسله سند روایت، احمد بن محمد خالد و نیز ابو المغراء که نام او حمید بن مثنی است و نیز سلیمان بن خالد، امامی و ثقه هستند، اما به خاطر وجود حسن بن علی بن فضال که فطحی مذهب بوده است، موثقه محسوب می‌گردد. به هر حال این گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بیانگر شعور و شخصیت حیوانات است، همان شخصیتی که به فرموده قرآن کریم، تسبیح خداوند می‌کند که طبق این روایت، از خداوند متعال مالکی را تقاضا می‌کند که با او به ملاحظت رفتار نماید.

طبق آنچه در روایات نقل شده است مسأله تغذیه حیوانات تاثیر عجیبی نیز در سرنوشت انسان دارد، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: در شب معراج زنی را در آتش دیدم زیرا گربه‌ای را بسته

بوده تا از گرسنگی مرده بود، و نیز مردی را در بهشت دیدم زیرا سگ تشنه‌ای را سیراب نموده بود و بدین سبب مورد بخشش خداوند قرار گرفته بود (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷، ۲، ۳۳؛ ابن اشعث، بی‌تا، ۱۴۳؛ ابن حیون مغربی، ۱۳۸۵، ۲، ۴۶۸، ۱۶۶۶). باید توجه داشت که بیان این مطلب از سوی شخص نخست عالم امکان که از شهود قدسی ایشان روایت و حکایت دارد، همانا بیانگر بازتاب و نتیجه اخروی رفتار ما با حیوانات است و نقش به سزایی در ایجاد انگیزه در مراعات آن دارد.

تغذیه حیوان آنقدر اهمیت دارد که برخی فقهاء از آن به حق الله تعبیر نموده‌اند، و گفته‌اند حتی اگر مالک حیوان، دیگران را از فراهم کردن آذوقه حیوان منع و نهی نمود، تکلیف از عهده دیگران ساقط نمی‌شود، بلکه با این وجود نیز بر تمام افرادی که دسترسی به حیوان دارند، واجب است که از تلف شدن حیوان جلوگیری کنند و تغذیه او را فراهم نمایند، زیرا حیوان دارای روح است، و این حق خداوند متعال می‌باشد اگرچه که مالک او حق را ساقط کرده باشد (حلی، ۱۴۰۸، ۲، ۱۳۰؛ عاملی، ۱۴۱۰، ۴، ۲۴۶؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۲۷، ۱۱۱).

فقهاء گرانقدر در این مساله با ریزی بی‌فرموده‌اند که اگر حیوانی بچه شیرخوار داشت و بچه به آن شیر نیاز داشت، تنها شیر اضافه متعلق به صاحب حیوان است (طوسی، ۱۴۰۸، ۲۸۷). بنابراین حق استفاده بچه حیوان از شیر مادرش به عنوان تغذیه، بر مالک حیوان مقدم است و اگر شیر اضافی وجود ندارد چیزی در اختیار مالک قرار نمی‌گیرد پس تغذیه حیوان و بچه آن هر دو از حقوق مسلمی است که رعایت آنها لازم می‌باشد. «اگر چهارپا، بچه‌ای داشت باید به اندازه نیاز او از شیر مادر تأمین کند، پس اگر نیاز بچه با غیر از شیر مادر تأمین شود مثل اینکه علف بخورد یا اینکه به چرا برود، گرفتن شیر مادر جایز است اما اگر گرفتن شیر مادر به بچه ضرر برساند مثلاً سال حاصلخیزی نباشد و علف به میزان لازم پیدا نشود، گرفتن شیر مادر جایز نیست» (حلی، ۱۴۱۳، ۳، ۱۱۸). امیرالمؤمنین علی علیه السلام در دستورالعمل به جمع آورندگان زکات و مالیات دستور صادر می‌کند که بین حیوان (شتر ماده) و بچه شیرخوارش فاصله نیندازید (زیرا برای تغذیه اش به مادر نیاز دارد) و شیر او را ندوشید، زیرا این کار به بچه ضرر می‌رساند: «فإذا أخذها أمینک فأوعز إليه ألا يحول بين ناقه و بين فصيلها و لا يمصر لبنها فيضر ذلك بولدها» (شريف رضى، ۱۴۱۴، ۳۸۱) و آنگاه که امین تو [شتر را برای رساندن به مرکز] گرفت، به سفارش کن که بین شتر و نوزادش جدائی نیفکند و شیر آن را ندوشد که به بچه اش زیان وارد شود.

۸-۱-۱- نوع و مقدار تغذیه

واقعیت این است که برای تغذیه نمی‌توان مقدار و معیار ثابت و مشخصی در نظر گرفت، چراکه حیوانات انواع و حالات مختلفی دارند، در کلام فقهاء نیز مقدار خاصی برای تغذیه حیوان معین نشده است، بلکه گفته شده است لازم است مالک بسته به نوع حیوان و شرایط زمان و مکان؛ نوع مطلوب و مقدار تغذیه مورد نیاز حیوان را برای او فراهم آورد و به میزانی که بدن او نیاز دارد به تغذیه او بپردازد، بلکه تصریح شده است که اقرب این است تغذیه حیوان به اندازه‌ای باشد که گرسنگی او را برطرف نماید، نه صرف اینکه او را زنده نگه دارد (حائری طباطبایی، بی‌تا، ۵۸۶؛ حلی، ۱۴۱۳، ۳، ۱۱۸؛ حلی، ۱۴۰۸، ۲، ۲۹۸؛ عاملی، ۱۴۱۳، ۸، ۴۹۸).

اگرچه که بیان فوق خود یک ضابطه کلی برای مقدار و میزان تأمین تغذیه است، اما به سبب فراگیر بودن پرورش زنبور عسل و کرم ابریشم، تغذیه آنها به صورت جداگانه نیز در کلام فقهاء مورد بیان و تأکید واقع شده است که تغذیه ایشان به باقی گذاشتن مقداری عسل و فراهم آوردن برگ توت است (عاملی، ۱۴۱۳، ۸، ۵۰۳).

۸-۱-۲- شیوه و مراحل تأمین تغذیه

فقهاء شیعه به روش و مراحل تأمین تغذیه حیوان نیز اشاره نموده‌اند و بدین صورت تبیین نموده‌اند که اگر حیوان در آبادی است، پس مالک باید علف را برای او مهیا سازد زیرا چراگاهی در شهر نیست و اگر در صحرا هستند و علف و گیاه به میزان کافی و مورد احتیاج حیوان وجود دارد، باید وی را در چراگاه رها سازد، اما اگر زمین خشک باشد و علوفه اصلاً نباشد یا باشد اما به میزان کافی برای حیوان نباشد، مالک باید علوفه را برای او مهیا سازد. «بهائیم به دو گونه هستند، یا در شهر هستند یا در دشت و بیابان، اگر در داخل شهر باشند پس بر مالک است که بر او انفاق کن، بدین صورت که به او علف دهد، زیرا در دل شهر چراگاهی نیست، ... اما اگر در صحرا باشند باز دو گونه است، اگر علف به اندازه کافی باشد و کفاف او را بدهد، او را در دشت رها کند، اما اگر زمین خشک و بی علوفه باشد، یا اینکه علوفه باشد اما برای حیوان کم است، بنابراین در اینصورت نیز باید برای او علوفه مهیا نماید» (طوسی، ۱۳۸۷، ۶، ۴۷).

توجه به حفظ جان حیوان مملوک و محترم مانند حفظ جان انسان‌ها است و آنقدر مهم است که علیرغم حق مالکیت افراد نسبت به اموالشان و حرمت غضب، گفته شده است که در صورتی که مالک

حیوان علوفه نداشته باشد، واجب است از دیگری خریداری نماید، اما اگر مالک علوفه حاضر به فروش آن نشود و علوفه دیگری نیز برای تغذیه حیوان نباشد، سرقت و غصب علوفه برای زنده نگاه داشتن حیوان جایز است همانطور که سرقت غذا برای زنده نگاه داشتن انسان جایز است، علامه حلی می‌فرماید: اگر آن فرد از فروش علوفه خودداری نمود، و کس دیگری هم نداشت، مالک می‌تواند آنرا با زور بگیرد، همانگونه که برای تغذیه خودش مجبور می‌شود (حلی، ۱۴۱۳، ۳، ۱۱۸).

همچنین، شهید ثانی هم تصریح نمایند: اگر کس دیگری علوفه نداشته باشد و مالک نیز حاضر به بذل در ازای عوض آنهانیست، جایز است آنرا غصب کند، همانگونه که جایز است آنرا برای حفظ انسان غصب کنند (عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۸، ۵۰۳). البته برخی نسبت به این مورد گویند که در صورت امکان باید این کار از طریق حاکم صورت گیرد (اصفهانی، فاضل هندی، ۱۴۱۶، ۷، ۶۱۳).

۸-۱-۳- زمان تغذیه

در روایاتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امام صادق علیه السلام توصیه شده است تغذیه حیوانات به موقع باشد و هنگامی که از او پیاده می‌شود یا بار را از پشت او می‌گیرد اولین کار این باشد که علوفه وی را به او ارائه دهد و اگر از آبی عبور می‌کند، اجازه دهد و وقت بگذارد و آب به او عرضه نماید:

«... و يبدأ بعلفها إذا نزل ... و يعرض عليها الماء إذا مر به» (برقی، ۱۳۷۱، ۲، ۶۹۶۶۲۷؛ صدوق، ۱۴۱۳، ۲، ۲۸۶، ۲۴۶۵؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۶، ۵۳۷، ۵۳۱). هنگامی که [از پشت] او فرود آمد، ابتدا به او علف بدهد ... و اگر بر آب گذشت، آب را به او عرضه کند. و شبیه آن از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است (برقی، ۱۳۷۱، ۲، ۳۸۸، ۳۶۱؛ صدوق، ۱۴۱۳، ۲، ۲۴۸۱، ۲۹۰) و همچنین توصیه شده است که اگر از زمین خشکی عبور می‌کنید، از آنجا سریع عبور کنید، اما اگر زمین حاصلخیز و پر آب و علفی است، به سرعت از آن عبور نمایید تا حیوان فرصت تغذیه داشته باشد (برقی، ۱۳۷۱، ۲، ۳۶۱، ۳۸۷).

به تأخیر انداختن نفقه حیوان از زمان مورد نیاز، حرام است. برخی فقهاء فرموده‌اند: «نفقه حیوان امتاع است نه تملیک، پس اگر از زمانش بگذرد ساقط می‌شود اگرچه که کار حرامی انجام داده است» (حائری طباطبایی المجاهد، بی‌تا، ۵۸۶؛ سبزواری، ۱۴۲۳، ۲، ۳۱۱).

۸-۲- سرپناه و پوشش

هر حیوانی برای زنده ماندن و استفاده از حق حیات خویش، علاوه بر تغذیه، نیازمند سرپناه و نیز

پوشش مناسب است؛ و چه بسا این سرپناه و پوشش در حیات حیوان تاثیر مستقیم داشته باشد مانند آنجا که برای در امان ماندن از سرمای شدید یا خطر حیوانات درنده باشد. از نظر دین اسلام، تنها زنده ماندن حیوانات هدف نیست، بلکه زندگی در کمال آرامش و بدون اذیت و آزار مد نظر است؛ لذا در فقه اسلامی تأمین استراحتگاه و پناهگاه مناسب، و نیز توجه به پوشش حیوان مورد توجه قرار گرفته است و فقهاء شیعه به تأمین محل زندگی و پوشش مناسب برای حیوانات نیز اشاره نموده‌اند و این مطلب نیز به همان اندازه تغذیه مورد تسالم فقهاء است.

این مسائل کاملاً در عرض و هم رتبه تغذیه حیوان، جزو نفقه حیوان دانسته و بیان شده‌اند. شهید ثانی و دیگران تصریح می‌نمایند: آماده سازی و مهیا نمود مکان برای حیوان مانند آغل و اصطبل به گونه ای که مناسب حال حیوان باشد واجب است، حتی اگر حیوان از کارافتاده یا در شرف مرگ باشد (عاملی، ۱۴۱۰، ۵، ۴۸۱؛ حائری طباطبایی، ۱۴۱۸، ۱۲، ۱۹۳).

البته واقعیت اینگونه است که در مناطق و جغرافیاهای متفاوت، و همچنین فصل‌های مختلف، مکان اختصاصی حیوانات و پوشش مورد نیاز آنها یکسان نیست. این نکته نیز مورد توجه و تصریح فقهاء قرار گرفته است که مسکن و سرپناه و پوشش حیوانات نیز باید به صورت متعارف و با توجه به شرایط زمان و مکان مختلف و مناسب آن باشد، و مالک حیوان باید در هر منطقه‌ای مناسب حال آن منطقه و عرف آنجا محل حفاظت و استراحت حیوانات و پوشش آنها را تهیه نماید. صاحب جواهر می‌فرماید: تأمین آنچه حیوان بدان نیاز دارد، از جمله خوراک و آب و مکان و پوشش و دیگر موارد، به حسب اختلاف زمان‌ها و مکان‌ها واجب است (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۱، ۳۹۵).

این مسأله نه تنها نسبت به حیوانات شایع مانند چهارپایان اهلی و ... مطرح شده است، بلکه نسبت به تأمین مکان مناسب برای زندگی کرم ابریشم که موجود و حیوانی کوچک است نیز تصریح شده است، و کوتاهی در آن گناه شمرده شده است. شهید ثانی و دیگران به محل نگهداری مناسب برای کرم ابریشم اشاره می‌نمایند و می‌فرمایند: از جمله حیواناتی که واجب النفقه هستند کرم ابریشم است و مالک آن در صورت کوتاهی در تأمین تغذیه و قرار دادن آنها در محل مناسب با توجه به شرایط زمانی، مرتکب گناه می‌گردد (عاملی، ۱۴۱۰، ۵، ۴۸۲؛ عاملی موسوی، ۱۴۱۱، ۱، ۴۹۱؛ حائری طباطبایی، ۱۴۱۸، ۱۲، ۱۹۴).

۸-۳- دیگر موارد

توجه و عنایت خاص فقهاء شیعه به این مسائل روشن‌کننده این مطلب است که نباید به حداقل

هایی برای زنده ماندن حیوان اکتفاء شود، بلکه علاوه بر تامین غذا و سرپناه و پوشش، مسائل دیگری نیز در حیات حیوان تاثیر دارند، و بر کیفیت و کمیت آن می‌افزایند، مانند بهداشت، درمان و امام صادق علیه السلام از قول رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: آغل گوسفند را تمیز کرده و خاک را از بدن آن بزدائید. (کلینی، ۱۴۰۷، ۶، ۵۴۴، ۵۴۳) البته در برخی نسخ کافی مانند نسخه مرحوم فیض در الوافی به جای واژه «رغامها»، واژه «رغامها» است (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ۲۰، ۸۵۰، ۴) که به معنی گرفتن مخاط بینی گوسفند است، و باز هم منظور اهمیت و توجه به بهداشت حیوان است.

همچنین نسبت به بهداشت تغذیه حیوان نیز توصیه شده است، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است: هر کس برای اسبش جو را پاک کند و سپس به او بدهد، خداوند در ازای هر دانه جو، به او حسنه می‌دهد (مجلسی دوم، علامه، ۱۴۱۰، ۶۱، ۱۷۷).

شهید ثانی در بحث ودیعه می‌فرماید: دوا و دیگر چیزهایی که حیوان بدان نیازمند است نیز در حکم نفقه هستند (عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۴، ۲۴۶؛ ۱۴۱۳، ۵، ۸۸).

بسیاری از دیگر فقهاء نیز به این مطلب تصریح نموده‌اند و در کتب فقهی خویش فرموده‌اند که چیزهایی که زندگی حیوان و بقاء حیات او به آنها وابسته است مانند دارو و ... نیز در حکم نفقه بوده و واجب می‌باشند، مانند محقق سبزواری (سبزواری، ۱۴۲۳، ۱، ۶۹۳)، فیض کاشانی (بحرانی، بی‌تا، ۱۳، ۲۳)، صاحب مفتاح الکرامه (عاملی حسینی، ۱۴۱۹، ۶، ۲۶) و

بلکه برخی به طور کلی هر آنچه در صحت و سلامت حیوان مؤثر است و حیوان بدان نیاز دارد را در حکم نفقه و واجب دانسته‌اند. شهید ثانی می‌فرماید: هر آنچه حیوان به آن نیازمند است، نیز مانند [غذا و علوفه و مکان و ... واجب] است (عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۵، ۴۸۲؛ سبزواری، ۱۴۲۳، ۲، ۳۱۲).

۹- نتیجه‌گیری

از دیدگاه اسلام، حیوانات نیز به عنوان یکی از مخلوقات خداوند متعال دارای حقوق می‌باشند و به آنها توجه و عنایت ویژه‌ای شده است. این نگاه، حاکی از ارزش و منزلت آنها می‌باشند و بسیار متفاوت از نگاه پست برخی تفکرات نسبت به حیوانات است. به تبع توجهات خاص دین اسلام و تعالیم پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و آموزه‌های ائمه اطهار علیهم السلام، این مطالب در فقه شیعه نیز رسوخ کرده است و فقهاء شیعه در ابواب مختلف فقهی خود که با این مطلب مرتبط بوده است، به ابراز نظر و رأی

پرداخته‌اند. یکی از مباحث فقهی که نمود کاملی از توجه اسلام را نشان می‌دهد، مسأله حق نفقه حیوان است. فقهاء گرانقدر شیعه در مباحث مرتبط با حق نفقه، به ذکر احکام مرتبط با آن پرداخته‌اند. در طی این پژوهش روشن شد که تأمین نفقه حیوانات بر مالک حیوان و در مراحل بعدی بر حاکم واجب است، در هر شرایطی و هر نوع حیوانی که باشد. از روشن‌ترین مصادیق نفقه، تغذیه، سرپناه و پوشش و بهداشت حیوان است که به حسب عرف باید مورد تأمین قرار گیرد. این احکام فقهی دورنمای جامعی است از آنچه عموماً حرکت‌های حمایت از حیوانات به دنبال آن هستند و متأسفانه از این میراث ارزشمند که شعاعی است از منبع بیکران نور اسلام و شاهد و زمینه‌ساز پویایی فقه شیعه، آگاهی نداشته و بهره‌برده‌اند و آگاهانه و یا غیرآگاهانه ادیان خصوصاً اسلام را از نافیان و مخالفان و بی‌توجهان به حقوق حیوانات بر می‌شمارند. شایان ذکر مجدد است که آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، تنها احکام فقهی نفقه حیوان بود، و به دیگر تعالیم اسلامی مرتبط با حیوانات خصوصاً آموزه‌های اخلاقی که خود دریایی هستند، پرداخته نشد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، (۱۳۶۷)، النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، اسماعیلیان، قم.
۳. ابن اشعث، محمد بن محمد، (بی‌تا)، الجعفریات، مکتبه النینوی الحدیثه، تهران.
۴. ابن براج، قاضی، عبدالعزیز، (۱۴۰۶)، المهذب، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۵. ابن حیون مغربی، نعمان بن محمد، (۱۳۸۵)، دعائم الاسلام، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم.
۶. ابن درید، محمد بن حسن، (بی‌تا)، جمهره اللغه، دار العلم للملایین، بیروت.
۷. ابن سیده، علی بن اسماعیل، (بی‌تا)، المحکم و المحيط الأعظم، دار الکتب العلمیه، بیروت.
۸. ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴)، معجم مقائیس اللغه، مکتب الاعلام الاسلامی، قم.
۹. ازدی، عبدالله بن محمد، (۱۳۸۷)، کتاب الماء، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران.
۱۰. ازهری، محمد بن احمد، (بی‌تا)، تهذیب اللغه، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۱۱. اصفهانی، فاضل هندی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۶)، کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۱۲. الجوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۱۰)، الصحاح، تاج اللغه و صحاح العربیه، دار العلم للملایین، بیروت.
۱۳. الصحاب، اسماعیل بن عباد، (۱۴۱۴)، المحيط فی اللغه، عالم الکتب، بیروت.

۱۴. انصاری شیخ اعظم، مرتضی، (۱۴۱۵)، کتاب مکاسب المحرمه و البیع و الخيارات، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم.
۱۵. بحرانی، حسین بن محمد، (بی‌تا)، الانوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرائع، مجمع البحوث العلمیه، قم.
۱۶. بحرانی، یوسف، (۱۴۰۵)، الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۱۷. برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۷۱)، المحاسن، دار الکتب الاسلامیه، قم.
۱۸. پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۲)، نهج الفصاحه، دنیای دانش، تهران.
۱۹. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۴)، حق و تکلیف در اسلام، اسراء، قم.
۲۰. حائری طباطبایی المجاهد، سید محمد بن علی، (بی‌تا)، کتاب المناهل، مؤسسه آل البيت، قم.
۲۱. حائری طباطبایی، سید علی بن محمد، (۱۴۱۸)، ریاض المسائل، مؤسسه آل البيت، قم.
۲۲. حلّی، شمس الدین محمد بن شجاع القطن، (۱۴۲۴)، معالم الدین فی فقه آل یاسین، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم.
۲۳. حلّی، یحیی بن سعید، (۱۴۰۵)، الجامع للشرائح، مؤسسه سید الشهداء علیه السلام، قم.
۲۴. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر الاسدی، (۱۴۱۰)، ارشاد الاذهان الی احکام الایمان، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۲۵. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر الاسدی، (۱۴۱۲)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مجمع البحوث الاسلامیه، مشهد.
۲۶. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر الاسدی، (۱۴۱۳)، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۲۷. حلّی، محقق، جعفر بن حسن، (۱۴۰۷)، المعبر فی شرح المختصر، مؤسسه سید الشهداء علیه السلام، قم.
۲۸. حلّی، محقق، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، اسماعیلیان، قم.
۲۹. حلّی، محقق، جعفر بن حسن، (۱۴۱۸)، المختصر النافع فی فقه الامامیه، مؤسسه المطبوعات الدینیّه، قم.
۳۰. خراسانی، آخوند، محمد کاظم، (۱۴۰۶)، حاشیه مکاسب، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۳۱. رازی، فخرالدین، (۱۴۲۰)، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۳۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲)، مفردات الفاظ القرآن، دار القلم، بیروت.
۳۳. راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، (بی‌تا)، النوادر، دار الکتب، قم.
۳۴. سبزواری، محمد باقر بن محمد، (۱۴۲۳)، کفایه الأحکام، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۳۵. شریف رضی، سید محمد بن الحسین، (۱۴۱۴)، نهج البلاغه، هجرت، قم.
۳۶. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۴۱۳)، کتاب من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۳۷. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی، قم.

۳۸. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۲۱)، حاشیه المکاسب، اسماعیلیان، قم.
۳۹. طبرسی، حسن بن فضل، (۱۴۱۲)، مکارم الاخلاق، شریف رضی، قم.
۴۰. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۳۸۷)، المبسوط فی فقه الإمامیه، المكتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه، تهران.
۴۱. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۰)، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، دار الکتب العربی، بیروت.
۴۲. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۷)، الخلاف، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۴۳. طوسی، ابن حمزه، محمد بن علی، (۱۴۰۸)، الوسيله الی نیل الفضيله، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم.
۴۴. عاملی موسوی، محمد بن علی، (۱۴۱۱)، مدارک الاحکام فی شرح عبادات شرائع الاسلام، مؤسسه آل البيت، بیروت.
۴۵. عاملی موسوی، محمد بن علی، (۱۴۱۱)، نهاییه المرام فی شرح مختصر شرایع الاسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۴۶. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۰)، الروضه البهیة فی شرح للمعه الدمشقیه، کتابفروشی دوری، قم.
۴۷. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۳)، مسالک الأفهام الی تنقیح شرائع الإسلام، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم.
۴۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰)، کتاب العین، نشر هجرت، قم.
۴۹. فیض کاشانی، محمد محسن، (۱۴۰۱)، مفاتیح الشرائع، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم.
۵۰. فیض کاشانی، محمد محسن، (۱۴۰۶)، الوافی، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علیه السلام، اصفهان.
۵۱. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، الکافی، دار الکتب الاسلامیه، تهران.
۵۲. مجلسی دوم، علامه، محمدباقر، (۱۴۱۰)، بحار الانوار، مؤسسه الطبع و النشر، بیروت.
۵۳. مشکینی، علی، (۱۳۷۷)، مصطلحات الفقه، الهادی، قم.
۵۴. مصطفوی، حسن، (۱۴۰۲)، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، دار الکتب العلمیه، بیروت.
۵۵. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۹)، نظام حقوق زن در اسلام، صدرا، تهران.
۵۶. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۰)، بیست گفتار، صدرا، تهران.
۵۷. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۳)، حکمتها و اندرزها، صدرا، تهران.
۵۸. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۳)، المقننه، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم.
۵۹. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، (۱۴۰۳)، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۶۰. نجفی، محمدحسن، (۱۴۰۴)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۶۱ نوری، میرزا حسین، (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، موسسه آل البيت عليهم السلام، قم.

منابع انگلیسی

- Beko, M., Goodall, J. (2010). *Encyclopedia of animal rights and animal welfare*. USA: ABC-CLIO.
- Curnutt, J.(2001). *Animals and the law: A sourcebook*. USA: ABC-CLIO.
- Francione, G. L. (2007). *Animals, property, and the law*. USA: Temple University Press.
- Franklin, J. H. (2005). *Animal rights and moral philosophy*. USA: Columbia University Press.
- Mack, G. (2012). *Animal rights: debating the issues*. USA: Marshall Cavendish Corporation.
- Nordenfelt, L. (2006). *Animal and human health and welfare: a comparative philosophical analysis*. UK: . CABI.
- Schaffner, J. E. (2011). *An introduction to animals and the law*. UK: Palgrave Macmillan.
- Sherry, C. J. (2009). *Animal rights: a reference handbook*. USA: ABC-CLIO.
- Waldau, P. (2011). *Animal rights : what everyone needs to know*. USA: Oxford University Press.
- Yount, L. (2008). *Animal rights' revised edition*. USA: Inc.